



محرم الحرام ۱۴۴۱



۶۱/۶۱

دوره مقدماتی  
فقه المکاسب  
جلسه هفتم

۱. زیرساخت و فضای حاکم بر احکام مبادلات در اسلام چیست؟
۲. قیمت‌گذاری (تسعیر) در مبادله توسط طرفین صورت می‌گیرد یا حکومت؟
۳. موارد اضطرار و حکم ثانویه در تسعیر اختیاری چیست؟

شوای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

۲۸ شهریور ۱۳۹۸

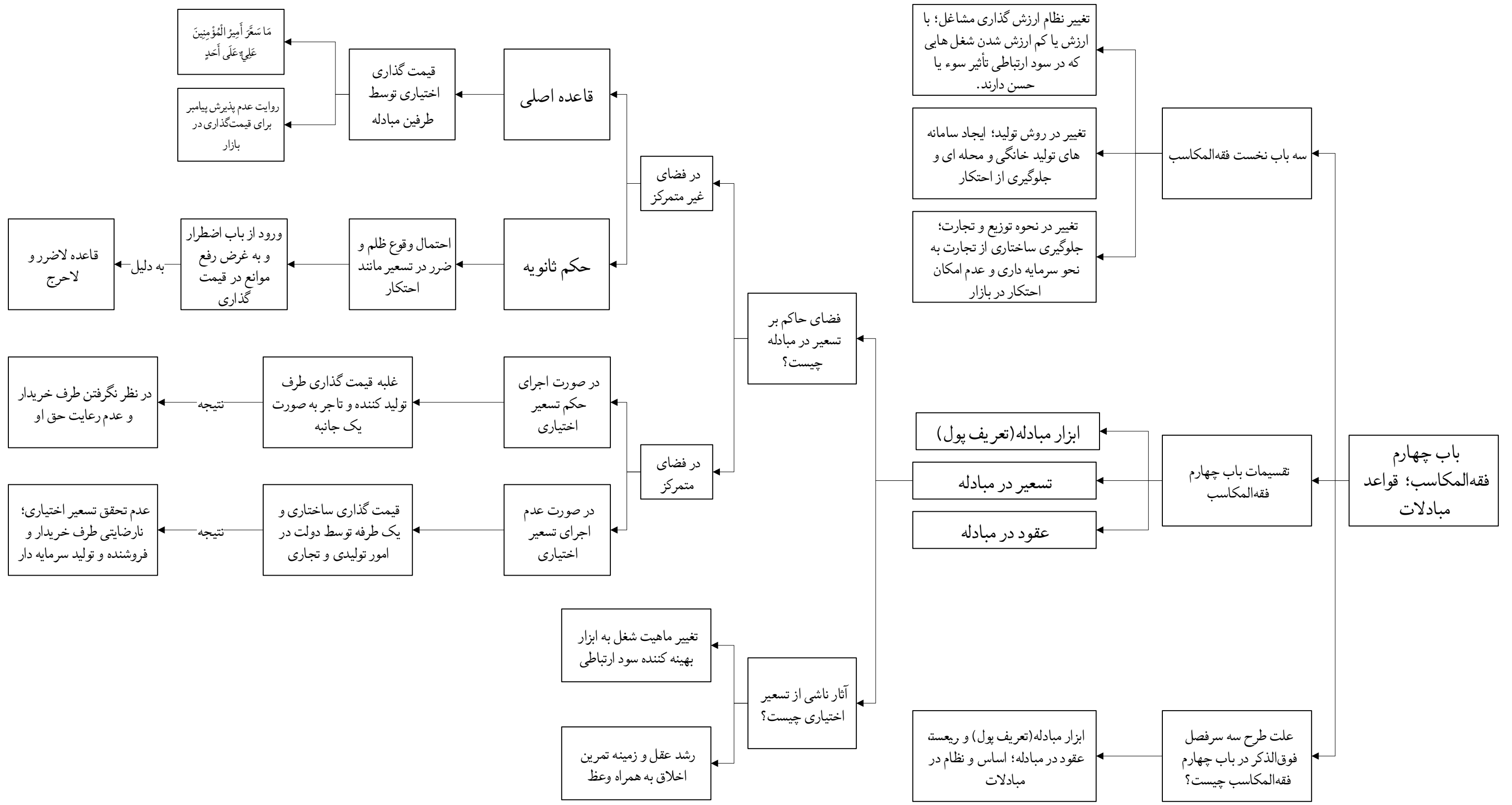
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَايِنُ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ.

آیه ۱۴۶ سوره مبارکه آل عمران

چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه او با دشمنان جنگیدند، پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

# دوره مقدماتی فقه المکاسب (جلسه هفتم)



## شناسنامه:

جزوه پیش رو متن پیاده شده سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی تبیین فقه المکاسب (جلسه هفتم) است که در تاریخ ۱۹ محرم الحرام ۱۴۴۱ (۲۸ شهریورماه ۱۳۹۸) در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در شهر مقدس قم برگزار شده است. پیشنهاد می شود جزوه و نمودار این جلسه به ترتیب در قطع A۴ و A۳ چاپ شود.

## فهرست مباحث

۱. ابواب سه گانه فقه المکاسب؛ زیر ساخت و فضای حاکم بر احکام مبادله (باب چهارم فقه المکاسب)..... ۱
- ۱/۱. تغییر نظام ارزش گذاری و طبقه بندی مشاغل از محوریت سود اقتصادی به سود ارتباطی؛ اولین پیش فرض حاکم بر فضای مبادلات در اسلام ..... ۱
- ۱/۲. تغییر روش تولید از تولید متمرکز به تولید غیرمتمرکز؛ دومین پیش فرض حاکم بر فضای مبادلات در اسلام ..... ۲
- ۱/۳. تغییر نحوه توزیع و تجارت از متمرکز به تجارت و بازارهای غیر متمرکز؛ سومین پیش فرض حاکم بر فضای مبادلات در اسلام ..... ۲
۲. ابزار مبادله، تسعیر در مبادله و عقود مبادله؛ سه بخش اصلی نظام مبادلات در باب چهارم فقه المکاسب ..... ۲
- ۲/۱. تعریف ابزار مبادله (پول) بر اساس مالیت؛ بخش اول باب چهارم فقه المکاسب ..... ۲
- ۲/۲. تسعیر اختیاری (واگذاری قیمت گذاری به طرفین مبادله)؛ بخش دوم باب چهارم فقه المکاسب ..... ۲
- ۲/۲/۱. تمرکز یا عدم تمرکز؛ دو فرض برای فضای حاکم بر تسعیر اختیاری ..... ۳
- ۲/۲/۱/۱. اصل بودن حکم تسعیر اختیاری؛ به استظهار روایت «مَا سَعَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَحَدٍ» و روایت عدم پذیرش پیامبر برای تسعیر ..... ۳
- ۲/۲/۱/۲. غیرقابل اجرا بودن حکم تسعیر در صورت تمرکز در تولید و تجارت ..... ۴
- ۲/۲/۲. توسعه اخلاق و تغییر معنای شغل از ابزار سود اقتصادی به ابزار سود ارتباطی و زیرساخت هدایت؛ فواید تسعیر اختیاری ..... ۶
- ۲/۲/۳. حکم اضطراری و ثانویه تسعیر در بحث فقها؛ به دلیل ایجاد موانع در راه تسعیر اختیاری ..... ۶
- ۲/۳. اصل بودن ابزار مبادله، تسعیر در مبادله و عقود مبادله؛ علت تقسیم بندی سه گانه باب چهارم فقه المکاسب ..... ۱۰

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَیْدِنَا وَ نَبِیْنَا وَ شَفِیْعِنَا فِی یَوْمِ الْجَزَاۗءِ اَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ عَلٰی اَهْلِ بَیْتِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ الْمُعْصَمِیْنَ الْمُكْرَمِیْنَ سِیْمَا بَقِیَّةِ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِیْنَ اَرْوٰحِنَا لِآمَالِهِ الْفِدَاۗءِ وَ عَجَّلِ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرْجَهُ الشَّرِیْفِ وَ اللَعْنَ الدَّائِمَ عَلٰی اَعْدَائِهِ اَعْدَاۗءِ اللّٰهِ.

### ۱. ابواب سه گانه فقه المكاسب؛ زیر ساخت و فضای حاکم بر احکام مبادله (باب چهارم فقه المكاسب)

در جلسات گذشته عرض کردیم که بر مسئله مبادله، یک فضای سه بخشی حاکم است. یعنی وقتی افراد در موضوعات مختلف مشغول معامله هستند و دارند مبادلات خودشان را مدیریت می کنند این مبادلات تحت تأثیر سه زیرساخت قرار دارد و در واقع این فضای سه بخشی کمیت و کیفیت مبادلات را و حتی نیت مبادلات را تحت تأثیر خودش قرار می دهد و این ساده انگاری است که وقتی در مقام فقهت داریم یک معامله را بررسی می کنیم بگویم این دو فرد، بُریده از آن فضای سه بخشی مشغول مبادله هستند. مبادله ای که بین دو فرد اتفاق می افتد و مالی را با مالی معاوضه می کنند تحت تأثیر آن فضای سه بخشی قرار دارد؛

### ۱/۱. تغییر نظام ارزش گذاری و طبقه بندی مشاغل از محوریت سود اقتصادی به سود ارتباطی؛ اولین پیش فرض حاکم بر فضای مبادلات در اسلام

مثلا وقتی شما مسئله معیارهای فقهی طبقه بندی مشاغل را در جامعه مباحثه می کنید افراد بر اساس نظام ارزشی مبتنی بر آن معیارها، شغل خودشان را تغییر می دهند و تمایلاتشان نسبت به مشاغل تحقیر و تجلیل می شود. بنابراین به تدریج می بینید با بحث از طبقه بندی فقهی از مشاغل و عمل و نظام سازی بر مبنای این طبقه بندی، بخشی از مبادلات نسبت به برخی دیگر، تقویت بیشتری می شوند.

**۱/۲. تغییر روش تولید از تولید متمرکز به تولید غیرمتمرکز؛ دومین پیش فرض حاکم بر فضای مبادلات در اسلام**

همچنین اگر فرض الگوی تولید جامعه به عدم تمرکز میل داشته باشد مبادلات تحت تأثیر این عدم تمرکز قرار می‌گیرد. مثلاً وقتی جامعه به سمت عدم تمرکز در تولید حرکت می‌کند و سود ناشی از الگوی تولید غیرمتمرکز را بیشتر از سود تولید ناشی از الگوی متمرکز و صنعتی می‌داند احتکار در آن جامعه کمتر اتفاق می‌افتد.

**۱/۳. تغییر نحوه توزیع و تجارت از متمرکز به تجارت و بازارهای غیر متمرکز؛ سومین پیش فرض حاکم بر فضای مبادلات در اسلام**

وقتی تولید متمرکز است اختیارات توزیع نمی‌شود، بلکه به دست طبقه سرمایه‌دار است؛ بنابراین زمینه احتکار در فرضی که اختیارات در بخش تولید محدود است بیشتر می‌شود. همچنین زمینه احتکار در فضایی که توزیع متمرکز است بیشتر خواهد بود. بنابراین به اشکال مختلف - از جمله شکل‌هایی که مثال زدم - شرایط حاکم بر مبادله بین دو نفر تحت تأثیر آن فضای سه بخشی قرار دارد. عرض کردیم در مبادله، سه مسئله بسیار مهم است و چون کل فضای مبادله ذیل آن فضای سه بخشی عمل می‌کند، این سه مسئله [قواعد مبادله] هم - که جزو ارکان درونی مبادله است - تحت تأثیر آن فضای سه بخشی است.

**۲. ابزار مبادله، تسعیر در مبادله و عقود مبادله؛ سه بخش اصلی نظام مبادلات در باب چهارم فقه المکاسب****۲/۱. تعریف ابزار مبادله (پول) بر اساس مالیت؛ بخش اول باب چهارم فقه المکاسب**

دیروز راجع به عملکرد پول بحث کردیم؛ عرض کردم وقتی فضای مبادله یک فضای مبادله متمرکز است، پول اعتباری<sup>۱</sup> کارآمدی بیشتری در ایجاد بنگاه‌های صنعتی و بزرگ دارد. چون با پول اعتباری می‌شود نهادها و عوامل مؤثر بر تولید را تحریک بیشتری کرد اما اگر فضای اقتصاد کشور به عدم تمرکز میل پیدا کرد، پولی که مال است قدرت تحریک بیشتری دارد و در پولی که مالیت اخذ شده، قدرت انعطاف نسبت به تحریک حرص پایین‌تر است بنابراین تحریک سود ارتباطی نسبت به تحریک سود اقتصادی بهتر اتفاق می‌افتد.

**۲/۲. تسعیر اختیاری (واگذاری قیمت‌گذاری به طرفین مبادله)؛ بخش دوم باب چهارم فقه المکاسب**

امروز می‌خواهم مسئله مهم «تسعیر اختیاری» را که - در روایات و آیات و در فرهنگ عقلی وحی - به آن توصیه شدیم تحت تأثیر فضای عدم تمرکز و تمرکز خدمت شما بررسی کنیم. پس به دأب مباحثاتی که ما در این دوره بحثی داشتیم تقریباً نسبت همه احکام فقه المکاسب را در ایجاد تمرکز یا عدم تمرکز بررسی می‌کنیم و همچنین برعکس، اثر فضای تمرکز یا عدم تمرکز را در اجرای احکام بررسی خواهیم کرد. حالا در اینجا می‌خواهیم نسبت مسئله تسعیر اختیاری را در فضای تمرکز و عدم تمرکز در بخش تولید و بخش تجارت بسنجیم. ببینیم که وقتی فضای تولید و تجارت، صنعتی و متمرکز است آیا تسعیر اختیاری امکان دارد؟ آیا وقتی فضای تولید و تجارت غیرمتمرکز می‌شود تسعیر اختیاری روی آن اثر دارد؟ یا به دأب موضوع‌شناسی فقهی موجود، مسئله تسعیر اختیاری را بریده از فضای تمرکز یا عدم تمرکز تحلیل کنیم؟ پس این صورت و مسئله جلسه امروز است.

۱. Fiat money: Money that is not intrinsically useful and is valued only because it is used as money.

پول اعتباری: پولی که ذاتاً قابل استفاده نیست و فقط به این دلیل که از آن به عنوان پول استفاده می‌شود ارزش دار شده است.

آدرس مطلب از کتاب اقتصاد کلان (منکیو)، ویرایش هفتم، ص ۵۷۸

## ۲/۲/۱. تمرکز یا عدم تمرکز؛ دو فرض برای فضای حاکم بر تسعیر اختیاری

۲/۲/۱/۱. اصل بودن حکم تسعیر اختیاری؛ به استظهار روایت «مَا سَعَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَحَدٍ» و روایت عدم پذیرش پیامبر برای تسعیر من ابتدا چند روایت محضر دوستان عرض کنم تا معلوم شود جایگاه مسئله تسعیر اختیاری - یعنی قیمت گذاری کالا - باید به دست خود مردم باشد و نه به دست حکومت. اصطلاح تسعیر اختیاری یعنی این. یک روایت در دعائم است «عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ التَّسْعِيرِ»<sup>۲</sup> از حضرت راجع به تسعیر سؤال پرسیدند ایشان جواب دادند که «فَقَالَ مَا سَعَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَحَدٍ» حضرت هیچگاه قیمت بر کالای هیچ کسی تعیین نکردند. امیرالمؤمنین علیه السلام که حاکم جامعه بودند، «ما سَعَرَ» نرفتند به این سمت که بر کالای کسی قیمت بگذارند «وَلَكِنْ مَنْ نَقَصَ عَنْ بَيْعِ النَّاسِ قَيْلَ لَهُ بَعْ كَمَا يَبِيعُ النَّاسُ وَ إِلَّا فَارْفَعَ مِنَ الشُّوقِ» اگر کسی نقص در بیع ایجاد می کرد، کارگزاران حضرت به او می گفتند تو هم مانند مردم که بیع می کنند، بیع را انجام بده و اگر نمی خواهی با مردم بیع کنی، از بازار بیرون برو. از این عبارت پیداست حضرت این سخن را درباره بازارهای موقت مطرح می کردند و الا اگر مسئله درباره بازار ثابت بود، چون در بازار ثابت مالکیت برای شخص وجود دارد، این مسئله در آنجا معنا ندارد. البته اگر کسی مبیع متفاوتی داشت و طعامش هم «اطیب» بود و از دیگران بهتر بود، حضرت ایرادی نمی گرفتند لذا روایت یک استثنایی دارد «إِلَّا أَنْ يَكُونَ طَعَامُهُ أَطْيَبَ مِنَ طَعَامِ النَّاسِ» گاهی وقتها کسی کالای ویژه ای را در بازار می آورد و می فروشد و آن کالا طبیعتاً ممکن است قیمت بیشتری داشته باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام ورودی به مسئله قیمت گذاری در مسئله بازار نداشتند، البته عبارتی در نامه ۵۳ وجود دارد و بعضی در این عبارت دقت کافی به خرج ندادند و آن را بر «تسعیر» حمل کردند؛ در حالی که این عبارت در مسئله احتکار ظهور دارد؛ امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه شان به جناب مالک اشتر می فرمایند: «وَأَسْعَارٌ لَا تُجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ»<sup>۳</sup> قیمت را طوری مدیریت کن که به خریدار و فروشنده اجحاف نشود؛ بعضی خواستند از این روایت این طور استفاده کنند که امیرالمؤمنین علیه السلام در مواردی خواستند تسعیر کنند؛ در حالی که با حرف «فاء» که دال بر نتیجه و [تفریع] است، حملی بر این عبارت اول شده که معلوم می شود قضیه درباره احتکار است و اصلاً مسئله تسعیر مطرح نیست. در ادامه نامه این طور آمده که «فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَنَكَّلْ

۲. وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ التَّسْعِيرِ فَقَالَ مَا سَعَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَحَدٍ وَ لَكِنْ مَنْ نَقَصَ عَنْ بَيْعِ النَّاسِ قَيْلَ لَهُ بَعْ كَمَا يَبِيعُ النَّاسُ وَ إِلَّا فَارْفَعَ مِنَ الشُّوقِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ طَعَامُهُ أَطْيَبَ مِنَ طَعَامِ النَّاسِ.

از امام صادق علیه السلام درباره نرخ گذاری سؤال شد. امام علیه السلام فرمود: «امیر مؤمنان علیه السلام برای احدی نرخ گذاری نکرد، بلکه هرکس [در برابر پول مساوی] جنس کمتری به مردم می داد، به وی گفته می شد: همانند دیگران بفروش و در غیر این صورت از بازار بیرون برو مگر آن که مواد خوراکی او مرغوبتر از دیگران باشد.»

دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۶ / جامع احادیث الشیعة، ج ۲۳، ص ۳۴۸

۳. ... اعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقاً فَاحْشِئْ وَ شِحاً قَبِيحاً وَ احْتِكَاراً لِلْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّماً فِي الْبِیَاعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ فَاْمُنْعُ مِنَ الْاِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَنَعَ مِنْهُ وَ لِيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعاً سَمِحاً بِمَوَازِينِ عَدْلِ وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَنَكَّلْ بِهِ وَ عَاقِبُهُ [مِنْ] فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ ...

ولی روشن باش که با همه آنچه تذکر دادم [که شامل تمجید از صنعت گران و تجار بود] در میان ایشان گروهی تنگ نظر و بخیل به شکلی قبیح و زشت، و مردمی محتکر، و نرخ گذارانی به دلخواه در امر خرید و فروش وجود دارد، که در این وضع زیان جامعه و عیب و تنگ زمامداران است. بنابراین از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا ﷺ آن را منع فرمود. داد و ستد باید آسان باشد، و بر موازین عدالت صورت گیرد، و به نحوی معامله شود که به فروشنده و خریدار اجحاف نشود. هر گاه کسی پس از نهي تو دست به احتکار زد او را مجازات کن ولی در مجازاتش از زیاده روی پرهیز. [ترجمه انصاریان]

نهج البلاغه، ص ۴۳۸



بِهِ وَ عَاقِبَتُهُ [مِنْ] فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ» وقتی دیدی برخی بعد از اینکه از احتکار نهی کردی، دوباره به سمت احتکار رفت و از طریق احتکار خواست اسعار را تغییر دهد، تو او را عقوبت کن ولی مواظب باش در مجازات زیادی روی نکنی؛ بنابراین اینجا بحث کنترل قیمت‌ها در بازار از طریق منع احتکار انجام شده نه از طریق قیمت‌گذاری مستقیم. به هر حال بر اساس روایتی که به محضرتان عرض کردم، امیرالمؤمنین علیه السلام هیچ موقع به مسئله تسعیر ورود نداشتند. روایت دیگری در «من لا یحضره الفقیه» است و البته در بعضی اصول روایی دیگر به نحو تفصیلی این مسئله مطرح شده است: «وَ قِيلَ لِلنَّبِيِّ لَوْ سَعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ» به حضرت عرض کردند ای کاش قیمت کالاها را برای ما معلوم می‌کردی، چون قیمت دائماً بالا و پایین می‌رود و این شرایط را بر ما سخت کرده است «فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى بِبِدْعَةٍ لَمْ يُحَدِّثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا» حضرت فرمودند: «من نمی‌خواهم خدا را در حالتی ملاقات کنم که بدعتی در دین گذاشته باشم، خدای متعال در قیمت‌گذاری چیزی به من ابلاغ نکردند» «فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» بعد فرمودند: مردم را رها کنید، بگذارید از یکدیگر نفع ببرند؛ تعبیر حضرت این‌طور است که «يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» دو طرف معامله باید طوری باشد که نفع ببرند. بگذارید خودشان این مسئله را مدیریت کنند. با استظهار به این دو روایتی که به محضر شما عرض کردم و با توجه به دیگر روایاتی که در این موضوع هست، فقهای عظام شیعه، مسئله تسعیر اولیه را به اجماع تحریم کردند.<sup>۴</sup> ما نمی‌توانیم مسئله قیمت‌گذاری در کالا را با حکم اولیه بپذیریم.

#### ۲/۲/۱/۲. غیر قابل اجرا بودن حکم تسعیر در صورت تمرکز در تولید و تجارت

می‌خواهم در اینجا بحثی را مطرح کنم و آن عبارت از این است که وقتی تولید را به نحو متمرکز مدیریت می‌کنید، یعنی فرض کنید صنایع غذایی به وجود می‌آید که آن صنایع غذایی، همه تولید غذا را متکفل می‌شوند، آن وقت جامعه را به سمت تمرکز می‌برید؛ مثلاً در روغن تنها چند شرکت تولید روغن خواهید داشت و سایر اقلام هم به همین شکل می‌شود؛ حال سؤال اینجاست وقتی تولید این‌طور متمرکز می‌شود، اختیار قیمت‌گذاری به دست چه کسی می‌افتد؟ در این صورت قیمت‌ها به دست تولیدکنندگان می‌افتد. اصل قیمت‌گذاری را اساساً کارخانه تولیدکننده تعیین می‌کند و این واسطه‌هایی که در میان هستند و می‌خواهند خرده‌فروشی کنند، اصلاً اختیار قیمت‌گذاری را به نحو گسترده در اختیار ندارند. اگر از قیمتی که به آن‌ها ابلاغ شده، تخلفی کنند، شرکت تولیدکننده پشتیبانی این توزیع‌کنندگان را تعطیل می‌کند. اساساً تسعیر در فضای تولید متمرکز

۴. وَ قِيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ سَعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ تَعَالَى بِبِدْعَةٍ لَمْ يُحَدِّثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ إِذَا اسْتَنْصَحْتُمْ فَاَنْصَحُوا.

به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفتند: ای کاش برای اجناس قیمت می‌گذاری زیرا مرتب نرخها زیاد و کم می‌شود، فرمود: من نمی‌خواهم در حالی خدا را ملاقات کنم (از دنیا بروم) که بدعتی گذارده باشم و دستوری بر آن بمن نرسیده باشد، مردم را رها کنید از یک دیگر استفاده برند، و هرگاه از شما سر (نرخ) وقت را خواستند اخلاص ورزید و راست بگوئید (و اگر نرسیدند شما آنها را رها کنید). [ترجمه غفاری]

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۶۸

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْمُحْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ يُخْرَجَ إِلَى بَطُونِ الْأَسْوَاقِ وَ حَيْثُ تَنظُرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا فَيَقِيلُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ قَوْمَتْ عَلَيْهِمْ فَعَضِبَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى عَرَفَ الْغَضَبَ فِي وَجْهِهِ وَ قَالَ أَنَا أَقَوْمٌ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّعْرُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَ يَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ وَ قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ أَسَعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَ تَنْقُصُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِبِدْعَةٍ لَمْ يُحَدِّثْ لِي فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ .

التوحيد، ج ۱، ص ۳۸۸

در خیلی از موارد، فرض وقوع ندارد؛ چون شرکت تولیدکننده، قیمت را به نحو یک طرفه و تنها با محاسبه سود خودش تعیین می‌کند. وقتی تولید متمرکز می‌شود، باعث جلوگیری از تسعیر اختیاری می‌شود. هکذا وقتی توزیع و بازرگانی متمرکز می‌شود، این اتفاق می‌افتد. فرض بفرمایید در یک میوه‌ای مثل موز که بخش عظیمی از آن وارداتی است<sup>۵</sup> یا در موضوع نهادهای دامی که ما بخش عظیمی از نهادهای دامی مان را وارد می‌کنیم<sup>۶</sup>، می‌بینیم تنها دست یک یا چند تاجر در میان است! آن‌ها هستند که این کار را متکفل می‌شوند؛ بنابراین آن تاجر عمده‌ای که به نحو متمرکز مسئله را مدیریت می‌کند، به صورت یک طرفه به سمت قیمت‌گذاری می‌رود و این طور نیست که «يَأْكُلُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» اتفاق بیافتد، یعنی طرفین دخالت در قیمت‌گذاری داشته باشند.

بنابراین حرف ما این است که وقتی شما تولید و بازار و توزیع را در فضای متمرکز می‌پذیرید، عملاً زمینه و فرض تسعیر اختیاری از بین می‌رود. فرض تسعیر اختیاری در جایی است که طرف مشتری هم به قیمت راضی بشود. الآن طرف مشتری به این قیمت مجبور است، چون کالا فقط توسط این تولیدکننده متمرکز و این تاجر بزرگ تأمین می‌شود و او هرچه بگوید [همان است]؛ یا مشتری باید از کالا عبور کند و چون به آن نیاز دارد نمی‌تواند عبور کند و یا باید همین قیمت را بپذیرد. بنابراین فرض تسعیر اختیاری در اینجا منتفی است. در چنین فرضی در دنیای مدرن حکومت‌ها در قالب شورای رقابت<sup>۷</sup> - با اسم‌های امروزی و یا ممکن است که اسم‌های دیگری نیز داشته باشد - ورود پیدا کرده و طرف مشتری یا فروشنده را می‌گیرند. بستگی به نظر واسطه سوم و نماینده حکومت دارد.

۵. آمار گمرک ایران نشان می‌دهد که واردات انواع موز به کشور طی پنج سال گذشته روندی صعودی داشته؛ به طوری که حجم وارد موز به کشور از ۱۶۵ میلیون دلار در سال ۱۳۸۵ به بیش از ۴۰۴ میلیون دلار در سال ۱۳۹۰ رسیده است. تازه‌ترین اطلاعات حاکی از آن است که به صورت عمده، پنج نفر در آفریقا و بیش از ۵۰ نفر نیز در ترکیه در وارد کردن موز آمریکایی جنوبی به ایران دخالت دارند.

آدرس مطلب در سایت خبرگزاری ایسنا: [yon.ir/Higxv](http://yon.ir/Higxv)

بنا به آمار گمرک ارزش ریالی واردات موز در سال ۹۷، ۱۶'۸۵۷'۰۸۹'۸۱۶'۵۵۷ ریال میباشد.

اتاق صنایع و معادن کشاورزی تهران: [yon.ir/VENzB](http://yon.ir/VENzB)

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری فارس، حسین مقصودی نماینده مردم سبزوار در مجلس شورای اسلامی در ۲ بهمن ۱۳۹۷ گفت: «آقای رئیس‌جمهور! شما که امروز داعیه مبارزه با فساد و افشای مفسدان را سرلوحه کار خود قرار داده‌اید، نگاهی بیندازید که سلطان موز چه نسبتی با شما دارد، نگاهی به پرونده‌های نزدیکترین افراد به شما و بعضاً دختران معاونین شما بیندازید».

آدرس مطلب از خبرگزاری فارس: [yon.ir/BaTK](http://yon.ir/BaTK)

۶. در جلسه پرسش و پاسخ از وزیر با حضور اعضای کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی و وزیر جهاد کشاورزی، وزیر صنعت، معدن و تجارت، رئیس سازمان ملی استاندارد، رئیس سازمان برنامه و بودجه، گمرک، اتاق بازرگانی، اتاق تعاون و نمایندگان بخش‌های خصوصی و تولید با موضوع وضعیت قیمت نهاده‌ها و محصولات کشاورزی و دامی، کریمی قدوسی، نماینده مشهد درباره ایجاد انحصار در بازار دان و مرغ توسط آقای «م» در زیر پا گذاشتن قانون انحصار از وزیر جهاد کشاورزی سوال کرد. محمود حجتی در پاسخ به این سوال گفت: «کسی که عمده بازار را در اختیار دارد ممکن است اگر بخواهد و نظارتی بر آن نباشد، در بازار دخل و تصرف داشته باشد. در حال حاضر حدود سه یا چهار شرکت وجود دارند که ۸۰ تا ۹۰ درصد واردکننده هستند.»

آدرس مطلب در باشگاه خبرنگاران جوان: [yon.ir/ugHnN](http://yon.ir/ugHnN)

۷. مطابق با بند ۵ ماده ۵۸ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، شورای رقابت موظف است که برای بازارهایی که انحصاری می‌باشند دستورالعمل تنظیم قیمت را صادر کند. بند ۵ ماده ۵۸ اصل ۴۴ به این شرح است: «تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالاها و خدمات انحصاری در هر مورد با رعایت مقررات مربوط.»

آدرس مطلب از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: [yon.ir/7kPMw](http://yon.ir/7kPMw)

بنابراین حرف ما این است که در فضای تولید متمرکز موضوع تسعیر منتفی شده و فرض وقوع ندارد. این یک بحث بود که خواستیم خدمت شما مطرح کنیم که وقتی می‌گویید قرار است حکم مترقی تسعیر در جامعه اتفاق بیافتد، در فضای تولید متمرکز و بازار متمرکز فرض این مسئله منتفی است. بنابراین فوایدی که بر تسعیر اختیاری بار است در فضای استراتژی‌های صنعتی و اقتصاد سرمایه‌داری مرتفع می‌شود.

### ۲/۲/۲. توسعه اخلاق و تغییر معنای شغل از ابزار سود اقتصادی به ابزار سود ارتباطی و زیرساخت هدایت؛ فواید تسعیر اختیاری

مثلاً یکی از فوایدی که در مسئله تسعیر اختیاری مطرح است، تمرین روزانه مناسب تقدیر و به تعبیر ساده‌تر تمرین روزانه اخلاق است. شما در یک فرض تسعیر اختیاری را مطرح کرده و می‌گویید که طرفین خرید و فروش قیمت‌گذاری کنند ولی وقتی به باطن قضیه نگاه می‌کنید می‌بینید که شریعت مقدس مطرح کرده است که مثلاً غش در معامله نباید باشد.<sup>۸</sup> شریعت محترم مسئله کم‌فروشی را منع کرده و همین‌طور عدم انصاف در معامله را منع کرده است. بنابراین در واقع وقوع تسعیر اختیاری زمینه‌ترین اخلاقی و تربیتی جامعه است. شما از پایگاه تسعیر جامعه را متخلق کرده و تربیت می‌کنید. لذا اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام به مسئله تسعیر ورود پیدا نمی‌کردند، به این دلیل بود که می‌خواستند «التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ»<sup>۹</sup> اتفاق بیافتد و از بستر تجارت، جامعه را رشد فکری دهند. بلکه وقتی شما با نگاه غیر تربیتی و غیر تزکیه‌ای به مسئله تجارت نگاه می‌کنید می‌گویید که اگر حاکم، قیمت‌گذاری کند راحت‌تر است ولی وقتی با نگاه تزکیه‌ای و نظم اختیاری مسئله را مطرح می‌کنید به این نتیجه می‌رسید که تسعیر اختیاری وجود داشته باشد و حاکمان زیرساخت آموزش و وعظ را دائماً در بازار تقویت کنند تا عملاً مردم هر روز تمرین اخلاقی داشته باشند و زمینه رشد عقلی و فکری آن‌ها وجود داشته باشد. بلکه کسانی که اقتصاد را بر مبنای ارزش افزوده می‌گیرند قدر تسعیر اختیاری را نمی‌دانند اما کسانی که شغل را زیرساخت هدایت تعریف می‌کنند، تسعیر اختیاری برایشان خیلی موضوعیت دارد و حتماً باید تسعیر اختیاری برای آن‌ها به عنوان یک رکن تربیت و تمرین اخلاق وجود داشته باشد.

عرض من این است که در حال حاضر این بحث وجود ندارد که حاکم در تسعیر دخالت کند یا نه، دیگر این فرض وجود ندارد چرا که اصلاً تسعیری وجود ندارد. یک طرف مبادله و معامله در مسئله قیمت‌گذاری تحکیم می‌کند و این تحکیم از ناحیه تحکیم ساختاری است و نه تحکیم موردی. همه چیز به دست سرمایه‌دار است. ابتدا سود خود را در نظر می‌گیرد و بعد قیمت‌ها را ابلاغ می‌کند و طرف مقابل نیز مجبور به تمکین در این معامله است. پس موضوع تسعیر در حال تعطیل شدن است.

### ۲/۲/۳. حکم اضطراری و ثانویه تسعیر در بحث فقها؛ به دلیل ایجاد موانع در راه تسعیر اختیاری

در اینجا فقهای محترم بحثی را مطرح کرده‌اند. فرضی در کتب فقهی ما وجود دارد و آن این است که اگر طرف عرضه و تولید کننده قیمتی در بازار اعلام کرد که به ضرر مصالح عمومی بوده و شامل مصداق ظلم می‌شد، آیا فقیه و حاکم از باب رفع آن ظلم می‌تواند به مسئله ورود پیدا کرده و تسعیر اختیاری را از بین ببرد یا نه؟ این بحث را فقها مطرح می‌کنند. مثلاً بعضی از

۸. غش به فتح «غ» مصدر، به معنای فریب دادن و به کسر آن، اسم مصدر است.

غایة الآمال، ج ۱، ص ۹۱

آیت الله خویی: کاربرد غش در کلمات فقها همان کاربرد لغوی و عرفی آن است،

مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۳۰۰

۹. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: تجارت کردن عقل را رشد می‌دهد.

کافی، ج ۵، ص ۱۴۸

فقها از باب «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ»<sup>۱۰</sup> که در بعضی از نسخه‌ها به شکل «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ»<sup>۱۱</sup> گفته‌اند که بر فرض اینکه طرف عرضه، قیمت‌های ظالمانه را تحمیل می‌کند، ما ورود پیدا کرده و تسعیر می‌کنیم؛<sup>۱۲</sup> یعنی حاکم قیمت

۱۰. قاعدة لا ضرر: و هي اخبار الشارع بعدم جعله الحكم الضرري في شرعه و دینه تکلیفیا کان أو وضعیا.

قاعده لا ضرر: عبارت است از حکم شارع بر عدم جعل حکم ضرری در شریعت و دینش (حکم تکلیفی یا وضعی باشد).

معجم المصطلحات الاصولية، ص ۱۲۶

۱۱. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ سَمْرَةَ بْنَ جُنْدَبٍ كَانَ لَهُ عَدَقٌ فِي حَائِطٍ لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَ كَانَ مَنْزِلُ الْأَنْصَارِيِّ بِيَابِ الْبُسْتَانِ وَ كَانَ يَمُرُّ بِهِ إِلَى تَخْلَتِهِ وَ لَا يَسْتَأْذِنُ فَكَلَّمَهُ الْأَنْصَارِيُّ إِذَا جَاءَ فَأَبَى سَمْرَةُ فَلَمَّا تَأَبَّى جَاءَ الْأَنْصَارِيُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَشَكَا إِلَيْهِ وَ حَبَّرَهُ الْخَبْرَ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ حَبَّرَهُ بِقَوْلِ الْأَنْصَارِيِّ وَ مَا شَكَا وَ قَالَ إِنَّ أَرَدْتَ الدُّخُولَ فَاسْتَأْذِنْ فَأَبَى فَلَمَّا أَبَى سَأَوْتُهُ حَتَّى بَلَغَ بِهِ مِنَ التَّمَنِّيِّ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَبَى أَنْ يَبِيعَ فَقَالَ لَكَ بِهَا عَدَقٌ يُمَدُّ لَكَ فِي الْجَنَّةِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلْأَنْصَارِيِّ اذْهَبْ فَأَقْلَعْهَا وَ ازِمْ بِهَا إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ.

زراره از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «سمرة بن جندب در باغ یکی از انصار درختی داشت و خانه مرد انصاری و محل زندگی وی در کنار باغ بود. سمرة از آنجا برای رسیدن به درختش می‌گذشت و اجازه نمی‌گرفت. مرد انصاری با وی در این باره گفتگو کرد تا هنگام ورود اجازه بگیرد، ولی سمرة زیر بار نرفت. از این رو مرد انصاری نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ماجرا را بازگو و از سمرة شکایت کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سمرة را فراخواند و سخنان مرد انصاری و شکایت او را به آگاهی وی رساند و به وی فرمود: هنگام ورود اجازه بگیر. این بار نیز سمرة زیر بار نرفت. از این رو به‌ناچار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با سمرة وارد معامله شد تا درخت او را خریداری کند ولی هر چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر بهای درخت می‌افزود، باز هم سمرة از پذیرفتن آن خودداری می‌کرد. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از راضی کردن سمرة به وسیله مال دنیا ناامید شد به وی فرمود: در مقابل درختت، درختی در بهشت برای تو خواهد بود که به تو یاری رساند [یا بر تو سایه افکند]. سمرة باز هم نپذیرفت. سرانجام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مرد انصاری گفت:

برو درختش را از زمین برکن و آن را در مقابلش بینداز؛ زیرا زیان و زیان رساندن به دیگران [در اسلام] نیست.»

کافی ج ۵، ص ۲۹۲

قَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ

رسول خدا ص فرمود: زیان و زیان رساندن به دیگران نیست.

من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۳۴

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ ... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ عَلَيَّ مُؤْمِنٍ.

رسول خدا ص فرمود: زیان و زیان‌رساندن بر مؤمنین [در اسلام] نیست.

کافی ج ۵ ص ۲۹۴

۱۲. اگر گران‌فروشی به حد اجحاف به مشتری برسد و یا خلاف مقررات دولت اسلامی باشد، جایز نیست.

امام خمینی، سید روح الله، استفتانات، ج ۲، ص ۶۲

امام خمینی رحمته الله و أما التسعير فلا يجوز ابتداءً، نعم لو أجحف ألزم بالنزول، وإلا ألزمه الحاكم بسعر البلد، أو بما يراه مصلحة. فما دل على عدم التسعير، منصرف عن مثل ذلك.

و اما قیمت گذاری در ابتدا جایز نیست لیکن اگر فروشنده اجحاف کند حاکم شرع او را ناچار می‌کند که قیمت را به قیمت رایج در شهر یا آنچه مصلحت می‌داند؛ کاهش دهد و روایات دلالت کننده بر عدم جواز قیمت گذاری شامل این قبیل موارد نمی‌شود.

کتاب البیع ج ۳ ص ۶۱۳

آیت الله خویی رحمته الله: لو أجحف في القيمة بحيث كان ازديادتها نحو من الاحتكار يمنع الحاكم عن ذلك بحيث يبيع المالك بقيمة السوق، أو أكثر منه، بمقدار لا يمنع الناس عن الشراء، بأن تكون قيمة كل حقة من الحنطة مائة فلس و يبيع المحتكر بدینارین فإنه أيضا احتكار، كما لا يخفى.

گذاری می‌کند تا این ظلم را برطرف کند. بعضی دیگر از پایگاه «لا حرج»<sup>۱۳</sup> و استظهارات آن ورود پیدا کرده و امر تسعیر را توصیه کرده و از تسعیر اختیاری عبور کرده‌اند. «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»<sup>۱۴</sup> به عموم استظهار این آیه گفته‌اند که الآن مصداق حرج رخ داده است؛ بله ما گفتیم که قاعده اولیه تسعیر است ولی یادتان باشد که هیچ قاعده‌ای در دین مصداق حرج نیست؛ بنابراین در این موردی که ظلم اتفاق می‌افتد حاکمیت می‌تواند ورود پیدا کند. در اینجا بحث‌های دامنه‌داری اتفاق افتاده است که اگر قرار است حاکم در مواردی که موضوع قاعده «لا ضرر» یا «لا حرج» است ورود پیدا کند دامنه تسعیر را چه چیزی قرار دهیم؟ آیا همه کالاها باشد و یا نه آن را فقط به کالاهای خوراکی و ما یحتاج اولیه محدود کنیم؟ باز در اینجا اختلاف است. بعضی از فقها به ظهور «الناس مسلطون علی اموالهم»<sup>۱۵</sup> و اینکه مردم بر اموالشان تسلط دارند فقط مسئله خوراکی را استثنا قرار دادند و گفتند که در امور دیگر اشکالی ندارد ولی بعضی از فقها دامنه همه کالاها را در این فرض، موضوع تسعیر قرار داده و گفته‌اند که شامل همه آن‌ها می‌شود.<sup>۱۶</sup> در مورد بحثی که فقها مطرح کرده‌اند می‌خواهم عرض کنم

اگر فروشنده در قیمت‌گذاری اجحاف کند چندان که گونه‌ای از احتکار شمرده شود، حاکم اسلامی از آن جلوگیری می‌کند تا مالک کالا به قیمت بازار یا قدری بیشتر که در حد توان خرید مردم باشد آن کالا را بفروشد، مثلاً اگر بهای يك کیسه گندم صد فلس باشد و احتکار کننده آن را به دو دینار بفروشد این کار نیز نوعی احتکار است، چنانکه پوشیده نیست.

مصباح الفقاهة ج ۵ ص ۵۰۰-۵۰۱

۱۳. قاعده نفی العسر و الحرج: القاعدة تقضي بنفي كل حكم شرعي عن المكلف يوجب العسر أو الحرج عليه، فإذا كان الموضوع في الشتاء أو غير الشتاء يشكّل عسراً أو حرجاً على المكلف سقط و وجب التيمم. استدلال عليها بآيات من قبيل: يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مضافاً إلى الروايات المستفيضة، بل عدت القاعدة من ضروريات الفقه.

قاعده نفی عسر و حرج عبارت است از قاعده‌ای که اقتضای نفی هر حکم شرعی از مکلفین که منجر به عسر و حرج شود را دارد؛ برای نمونه اگر وضو در تابستان یا غیر آن منجر به عسر و حرجی بر مکلف شود، ساقط شده و تیمم واجب می‌شود؛ مستند این قاعده اولاً آیاتی مثل «یرید الله بکم الیسر...» و ثانیاً روایات مستفیضة‌ای در این امر وارد است به طوری که این قاعده از ضروریات فقه بر شمرده می‌شود.

معجم مفردات أصول الفقه المقارن، ص ۲۲۳

۱۴. وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أَيْبِكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ / حج، ۷۸  
و در راه خدا چنان که شایسته جهاد است، جهاد کنید؛ او شما را برگزید و بر شما در دین هیچ مشقت و سختی قرار نداد. [در دینتان گشایش و آسانی قرار داد مانند گشایش و آسانی] آیین پدرتان ابراهیم، او شما را پیش از این «مسلمان» نامید و در این [قرآن هم به همین عنوان نامگذاری شده اید] تا پیامبر گواه بر شما باشد و شما هم گواه بر مردم باشید؛ پس نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و به خدا تمسک جوئید. او سرپرست و یاور شماست؛ چه خوب سرپرست و یآوری و چه نیکو یاری دهنده‌ای است. [انصاریان]

۱۵. وَ قَالَ ﷺ: النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: "مردم بر ثروت خود اقتدار دارند."

بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۷۲ / عوالی اللیالی، ج ۱، ص ۲۲۲

۱۶. امام خمینی ره: (مسأله ۲۳): یحرم الاحتکار، و هو حبس الطعام و جمعه یتربص به الغلاء؛ مع ضرورة المسلمین و حاجتهم و عدم وجود من ینذلهم قدر کفایتهم. نعم مجرد حبس الطعام انتظاراً لعلو السعر مع عدم ضرورة الناس و وجود البادل، لیس بحرام و إن کان مکروهاً. و لو حبسه فی زمان الغلاء لصرفه فی حوائجه لا للبیع فلا حرمة فیهِ و لا کراهة. و الأقوی عدم تحققه إلا فی الغلات الأربع و السمن و الزيت. نعم هو أمر مرغوب عنه فی مطلق ما یحتاج إليه الناس، لکن لا یثبت لغير ما ذکر أحكام الاحتکار. و یجبر المحتکر علی البیع، و لا یعیّن علیه السعر علی الأحوط، بل له أن یبیع بما شاء إلا إذا أجحف، فیجبر علی النزول من دون تسعیر علیه، و مع عدم تعیینه یعیّن الحاکم بما یری المصلحة.

مسأله ۲۳- احتکار حرام است؛ و آن عبارت است از اینکه طعام را حبس و جمع کند و انتظار بکشد که گران شود در حالی که مسلمین به آن احتیاج دارند و برای آن‌ها ضروری است و کسی هم نیست که به قدر کفایتشان، برای آن‌ها بذل نماید. البته تنها حبس کردن طعام و انتظار بالا رفتن

این بحث در چه فضایی مطرح می‌شود؟ آیا در فضای عدم تمرکز فقها این بحث را مطرح می‌کنند؟ [اگر در فضای عدم تمرکز است]، پس موضوع این بحث‌ها شرایطی مانند احتکار و شرایط خاصی مانند شرایط جنگی است. یک نفری با احتکار ورود پیدا کرده و قیمت‌ها را جابه‌جا می‌کند و فقیه ورود پیدا کرده و قیمت‌ها را تصحیح می‌کند.

در فرض عدم تمرکز بحث تسعیر اختیاری آنچنان که بعضی از آقایان فرموده‌اند رفع نشده است بلکه رفع عوامل مضر بر تسعیر موضوعیت دارد و نه رفع خود تسعیر. بنابراین بر فرض عدم تمرکز خیلی سخت است که شما موردی را پیدا کرده و به آن استظهار کنید که حکم شریف تسعیر که بستر تربیت است مرتفع شده است. نه موارد را به مقابله با عوامل مضر تسعیر اختیاری حمل می‌کنیم و بحث آن را در آنجا مطرح می‌کنیم. پس این یک فرض در مباحثه است.

یک فرض نیز این است که شما بگویید که در فضای تمرکز در تولید و بازار ما مسئله ورود حاکم را از باب قاعده «لاضرر» و یا «لاخرج» و هر چیز دیگری وارد می‌کنیم که این نیز تالی فاسد پیدا می‌کند. تالی فاسد آن این است که یک حکم ثانویه، دائمی می‌شود؛ شما اگر می‌خواهید الگوی تولید و بازار اسلام را به نحو غیرمتمرکز طراحی کنید مجبور می‌شوید که هر روز قاعده «لاضرر» و «لاخرج» را جریان دهید و حذف تسعیر اختیاری یک امضای فقهی پیدا می‌کند، در حالی که مسئله به صورت صحیح، این است که بگوییم: حکم اولیه تسعیر اختیاری است و باید شرایط تسعیر اختیاری را آماده کرد و این اصل است که دائماً به شرایط ساختاری تسعیر اختیاری توجه کنیم.

حالا در فرض اینکه موارد استثنایی به وجود آید، به سمت این می‌رویم که حاکم تسعیر کند؛ در آن فرض‌ها هم ما معتقد هستیم که ورود حاکم به معنای تسعیر نیست بلکه ورود حاکم به معنای مقابله با عوامل مضر به تسعیر اختیاری است مانند مسئله احتکار؛ یعنی اگر ورود می‌کنیم، از این باب است. لذا ما در این دو فرضی که خدمت شما مطرح کردیم، در کلام فقها

---

قیمت آن را کشیدن، با اینکه برای مردم ضرورت ندارد و بذل‌کننده هم هست، حرام نمی‌باشد گرچه مکروه است. و اگر در زمان گرانی برای مصرف کردن در احتیاجات خود - نه برای فروش - آن را حبس نماید نه حرام است و نه مکروه. و اقوی آن است که احتکار تحقق پیدا نمی‌کند مگر در غلات چهارگانه (گندم و جو و خرما و کشمش) و روغن (حیوانی) و روغن زیتون. البته جمع کردن مطلق آنچه که مردم به آن نیاز دارند، امری است که از آن اعراض شده است (و مطلوب نیست). و لیکن برای غیر آنچه که ذکر شد، احکام احتکار ثابت نیست. و باید شخص محتکر به فروختن اجبار شود و بنابر احتیاط (واجب) قیمت برای او تعیین نمی‌شود، بلکه حق دارد به هر قیمت که می‌خواهد بفروشد مگر آن که اجحاف کند، پس او را مجبور می‌کنند که قیمت را پایین بیاورد - بدون آن که برایش تعیین قیمت نمایند - و اگر او تعیین قیمت نکرد، حاکم شرع قیمتی را که مصلحت می‌بیند، معین می‌کند.

تحریر الوسیله ص ۳۹۲

ن شیخ محمد حسن نجفی مشهور به صاحب جواهر: بل هو كذلك في كل حبس لكل ما تحتاجه النفوس المحترمة، و يضطرون إليه ولا مندوحة لهم عنه من مأکول أو مشروب أو ملبوس أو غيرها من غیر تقیید بزمان دون زمان، ولا أعیان دون أعیان، ولا انتقال بعقد ولا تحدید بحد، بعد فرض حصول الاضطرار بل الظاهر تسعیره حينئذ بما یكون مقدورا للطالبین، إذا تجاوز الحد في الثمن، بل لا یبعد حرمة قصد الاضطرار بحصول الغلاء، ولو مع عدم حاجة الناس ووفور الأشياء، بل قد یقال بالتحريم بمجرد قصد الغلاء وحبه، وإن لم یقصد الإضرار، ویمکن تزییل القول بالتحريم علی بعض ذلك، كما عساه یومی إليه بعض کلماتهم، فیرتفع الخلاف حينئذ في المسألة.

ذخیره کردن هر چیزی که مورد نیاز انسان‌ها است و مضطر به آن می‌باشند از قبیل خوردنی، نوشیدنی، پوشیدنی و غیر اینها، مانند حکم احتکار است. حکم حرمت به زمان خاص یا جنس خاص و نوع خاصی از عقد، محدود نیست... بلکه شاید اگر کسی جنسی را که فراوان است و مردم به آن احتیاج ندارند، احتکار کند تا در اثر گران شدن، مردم به آن محتاج شوند، حرام باشد. بلکه گاهی گفته می‌شود که چنین کاری با صرف قصد گران شدن و میل به آن نیز حرام است هر چند قصد اضرار هم نداشته باشد. پس احتمال دارد برخی از موارد فوق در ردیف احتکار حرام جای می‌گیرد. کما اینکه می‌توان بعضی از عبارات فقها را مشیر به این معنا دانست، در این صورت اختلاف در مسئله مرتفع می‌شود [و اقوال جمع می‌شوند]

جواهر الکلام ج ۲۲ ص ۴۸۱

در مورد مسئله تسعیر اشکال داریم؛ یعنی لازم نیست که شما عموم قاعده «لا ضرر» و «لا حرج» را طوری تفسیر کنید که حکم اولیه تسعیر اختیاری نقض شود، بلکه خود مسئله تسعیر اختیاری باقی است و آن مسائل به وجود آمده احکام دیگری دارد و ما فکر می‌کنیم این تعمیم در غیر از موضوع خود اتفاق افتاده است؛ وقتی شما جلوی احتکار و عوامل مشابهی که زمینه تسعیر اختیاری را از بین می‌برند می‌گیرید و به شکل ساختاری تولید و بازار را در طراحی‌های اجتماعی‌تان به سمت عدم تمرکز حرکت می‌دهید، دیگر زمینه ظلم در قیمت‌گذاری بسیار محدود می‌شود و مثلاً با احکامی مانند اخراج از بازار موقت می‌توانید مسئله را مدیریت کنید و مشکل شما برطرف می‌شود.

بنابراین به نظر ما اصل کار این است که برای تحقق حکم شریف تسعیر اختیاری و جمع آن با مصلحت مسلمین و اینکه به عامه ضرری وارد نشود، شما مراقب باشید که ساختار تولید و بازار غیرمتمرکز نشود. حالا به این نحو که بنده استدلال کردم اگر شما فواید تسعیر اختیاری را می‌خواهید - که پیامبر فرمود: پذیرش تسعیر حاکم، بدعت در دین است - باید مراقب الگوی تولید و توزیع خود باشید تا زمینه تحکم تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان در عرصه اقتصاد نشود. راه‌حل بنیادین این است.

بینید! این تفاوت فقه نظام ساز با فقه معذر و منجر<sup>۱۷</sup> است؛ [فقه نظام ساز] نظم اجتماعی را به شکل استظهاری نه ذوقی و عقلایی، طوری تغییر می‌دهد که آن نظم زمینه اجرای احکام را آماده می‌کند در حالی که در فقهی که به نظام سازی توجه ندارد، یک مسئله تنها موقتاً حل می‌شود. ولو اینکه این کار از باب مصلحت است اما منجر به تعطیل شدن برخی دیگر از احکام می‌شود و ما را از فوائد آن احکام محروم می‌کند. لذا وقتی نگاه می‌کنید، می‌بینید که در پدیده مصلحت یا حکم ثانویه‌ای که آقایان مطرح می‌کنند، زمان دخیل نیست یعنی طوری ورود پیدا می‌کنند که زمان تعطیلی حکم اولیه بسیار طولانی می‌شود در حالی که ما نباید طوری مسئله مصلحت را مطرح کنیم که تعطیلی حکم اولیه به نحو دائمی اتفاق بیافتد، بلکه باید در یک بازه زمانی اتفاق بیافتد. پس این یک اشکال به مباحثات آقایان است.

این بحث امروز ما بود که قید دوم معامله و مبادله در اسلام را مطرح کردیم؛ اینکه شما باید قید دوم ساختاری (تسعیر اختیاری) را بپذیرید؛ یعنی باید به قیمت‌گذاری طرفین معامله موضوعیت بدهید و دلیل آن هم آثار تربیتی و عبور از بدعت است. این هم قید دوم بود. ان شاء الله فردا وارد بحث بسیار مهم عقود معامله می‌شوم؛ و بخشی از آن را با توجه به فضای تأثیر تمرکز یا عدم تمرکز بررسی می‌کنم و همچنین تأثیر عقود بر ایجاد تمرکز یا عدم تمرکز را بررسی خواهیم کرد.

### ۲/۳. اصل بودن ابزار مبادله، تسعیر در مبادله و عقود مبادله؛ علت تقسیم بندی سه گانه باب چهارم فقه المکاسب

اینجا ممکن است یک اشکالی توسط بعضی از فضلا مطرح شود که چرا ما در مسئله معامله و مبادله، سه چیز را به ترتیب مهم‌ترین ارکان معامله و مبادله اعلام کردیم. این با چه نگاهی اتفاق افتاده است؟ عرض کردیم: اولاً ما حساس هستیم که ابزار مبادله، مال بوده و اعتباری نباشد. دوماً می‌گوییم باید اختیار قیمت‌گذاری و تسعیر در مبادله به دست طرفین باشد تا تمرین اخلاق اتفاق بیافتد. سوماً این مبادلات باید در قالب عقودی که در فقه محترم مطرح است، شکل گیرد؛ مانند مضاربه، مسافقات، شرکت و ... چرا ما این سه را اصل قرار داده و [بر این اساس] تحلیل کردیم؟ چون این سه در حکم نظام و نظم برای مبادله و معامله هستند و اگر هر کدام از اینها حذف شود، آن نظم مطلوب اقتصادی اسلام تحقق پیدا نمی‌کند. یادتان

۱۷. حجت اصولی عبارت از هر چیزی است که متعلق خود را به حسب جعل شرعی اثبات کند. به بیان دیگر هرگاه مکلف به چنین حجتی عمل کند و عمل او با واقع مطابقت نکند، می‌تواند به وسیله آن بر مولی احتجاج کند، و خود را در عمل به آن معذور بداند اگر بر طبق آن عمل نکند و در نتیجه واقع از او فوت شده باشد، مولی می‌تواند بدان وسیله احتجاج کرده، و او را درخور کیفر بداند. (معدریت و منجزیت)

باشد ما در بخش مکاسب گفتیم «الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»<sup>۱۸</sup> عرض کردیم شغل زیرساخت هدایت است، چون نگاهمان به شغل این نیست که شغل ابزاری برای ایجاد ارزش افزوده است و از نظر نگاه اسلامی فرد شاغل برده نظام سرمایه‌داری نیست و حتی اجبر شدن کراهت دارد.<sup>۱۹</sup> اگر شما بخواهید شغل را در ذهن‌ها ارتقا دهید، حتماً باید تسعیر اختیاری را بپذیرید. تسعیر اختیاری است که زمینه عبادت را آماده می‌کند. شما دائماً به خود فرد می‌گویید صداقت را رعایت کن! غش در معامله نکن! کم‌فروشی نکن! با همین ابزارها انداز و تبشیر ایجاد می‌کنید و تربیت را پیش می‌برید. اگر تلقی کسی از شغل، ابزار ایجاد ارزش افزوده و نه زیرساخت هدایت است؛ در نتیجه تسعیر اختیاری برای او محور نیست. الآن هم همین تلقی حاکم است. شما در مکاتب اقتصادی مشاهده می‌کنید که ۱۸۰ درجه مخالف تسعیر اختیاری بحث می‌کنند و می‌گویند حکومت‌ها از باب حقوق عامه باید ورود کنند و قیمت‌گذاری کنند<sup>۲۰</sup> و مثلاً شورای رقابت ورود کند و برای محصولات صنعتی قیمت تعیین کند. دقت می‌فرمایید تفاوت در چیست؟ ما می‌خواهیم شغل را به زیرساخت هدایت تبدیل کنیم، بنابراین باید تسعیر اختیاری داشته باشیم ولی آن‌ها می‌خواهند شغل را به عامل افزایش GDP<sup>۲۱</sup> تبدیل کند و حال اگر

۱۸. وَ قَالَ [رَسُولُ اللَّهِ ﷺ]: الْعِبَادَةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

رسول خدا ﷺ فرمود: عبادت ده بخش است که نه بخش آن طلب روزی حلال می‌باشد.

جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۳۹ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹

۱۹. رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَيْهَا الرِّزْقَ وَ كَيْفَ لَا يَحْظُرُ عَلَيْهَا الرِّزْقُ وَ مَا أَصَابَ فَهُوَ لِرَبِّ آجْرُهُ.

عبد الله بن محمد جعفی گوید: امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: هر کس خود را اجبر سازد روزی را بر خود تنگ کرده است، چگونه بر خود تنگ نکرده باشد در حالی که آنچه به چنگ می‌آورد از آن دیگری است همان که او را اجاره کرده است. [ترجمه غفاری]

من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۱۷۴

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ مَنُظُورِ بْنِ يُونُسَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ أَجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَ كَيْفَ لَا يَحْظُرُهُ وَ مَا أَصَابَ فِيهِ فَهُوَ لِرَبِّهِ الَّذِي آجَرَهُ.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: کسی که خود را اجبر [دیگری] کند، مانع روزی خود شده است. در روایتی دیگر آمده است: چگونه مانع روزی خود نشده، حال آن که دسترنجش از آن کار فرمایی است که او را اجبر خود کرده است!

الکافی، ج ۵، ص ۹۰

۲۰. الف) روسیه: روسیه با هدف جلوگیری از افزایش قیمت محبوبیت، دولت پوتین پیش از انتخابات پارلمانی در ماه دسامبر، کنترل برخی قیمت‌های اساسی را به سبک اتحاد جماهیر شوروی اعمال می‌کند.

Russia is introducing Soviet-style price controls on some basic foods in an effort to prevent spiralling prices from denting the Putin administration's popularity ahead of parliamentary polls in December.

آدرس مطلب در سایت فایننشال تایمز: [yon.ir/SXAsX](http://yon.ir/SXAsX)

ب) چین: چین برای جلوگیری از تورم، کنترل قیمت‌ها را اعمال می‌کند

China imposes price controls to stave off inflation.

آدرس مطلب از سایت خبرگزاری سی ان ان: [yon.ir/WeXjz](http://yon.ir/WeXjz)

ج) کوبا: دولت کوبا با تلاش برای حفظ تورم، کنترل قیمت‌ها را اعمال می‌کند.

Cuban government imposes price controls as it seeks to keep lid on inflation

آدرس مطلب در خبرگزاری روترز: [yon.ir/EgOyl](http://yon.ir/EgOyl)

۲۱. در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تعریف GDP (Gross Domestic Product) چنین آمده است:



قیمت‌گذاری به دست مردم یا شورای رقابت یا نهادهای مشابه باشد، خیلی برایشان فرقی نمی‌کند و همین ارکان است که اگر حذف شوند، معنای شغل در واقعیت تغییر پیدا می‌کند! پس وقتی شغل را در زیرساخت هدایت ببینیم، در این صورت پول باید مال باشد تا اغنیا نتوانند در آن تصرف کنند و با ابزار پول، ظلم ایجاد کنند؛ یعنی با قید اول، تصرف اغنیا و زمینۀ ظلم آن‌ها را کم می‌کنیم؛ چون شما به دنبال سود ارتباطی هستید و می‌خواهید با قید دوم، انسان‌ها را تربیت اخلاقی کنید. حال انشاءالله سعی می‌کنم قید سوم را هم عرض کنم که مثلاً عقد شرکت در اسلام، چه طور جلوی تمرکز را می‌گیرد. امروز تسعیر را عرض کردم که اگر اختیاری باشد، چه فوایدی دارد و [اینکه این عقد] در فضای عدم تمرکز جریان دارد. انشاءالله فردا بحث شرکت را هم مطرح می‌کنم و سعی می‌کنم در مورد مضاربه و مساقات و سایر عقود هم تطبیق دهم.

بنابراین در بخش چهارم، بر روی سه مسئله دست گذاشتیم که آن سه مسئله، ماهیت شغل را از «شغل به عنوان ابزار ایجاد ارزش افزوده» به «شغلی که ابزار و زیرساخت هدایت و عبادت» است، تغییر می‌دهد. این توصیف در طراحی ساختار اقتصادی جریان دارد؛ پس انشاءالله فردا عقود را از همین پایگاه به محضر شما طرح و تحقیق خواهیم کرد بفضلۀ تبارک و تعالی.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولیدشده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) را تولید ناخالص داخلی می‌نامند.

آدرس مطلب در سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: [yon.ir/HRXCN](http://yon.ir/HRXCN)

در کتاب نظریه اقتصاد کلان منکیو نیز چنین آمده است:

اگر بخواهید در مورد اقتصاد یک شخص قضاوت کنید، احتمالاً قبل از هر چیز به درآمد او توجه خواهید کرد... همین استدلال برای کل اقتصاد یک کشور نیز قابل ارائه است. وقتی درباره اقتصاد یک کشور قضاوت می‌کنید که این کشور ثروتمند یا فقیر است، نگاه شما به درآمد کل است که تک تک افراد جامعه به دست می‌آورند. این درآمد را به کمک تولید ناخالص داخلی (GDP) محاسبه می‌کنید. GDP دو چیز را محاسبه می‌کند؛ درآمد کل افراد در اقتصاد و هزینه های کل تولید کالاها و خدمات در اقتصاد.

نظریه اقتصاد کلان (منکیو)، ص ۹ و ۱۰

وَعَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لِفَضِيلٍ: جَلِيسُونَ وَتُحَدِّثُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ جَعَلْتُ ذَلِكَ  
قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْجَالِيسَ أَحِبُّهَا، فَأَحْيُوا أَمْرًا يَا فَضِيلُ، فَرَجَّحَ اللَّهُ مَنَ أَحْيَا أَمْرًا.  
يَا فَضِيلُ، مَن ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ أَلَمَ مِنْ زَيْدِ الْجَبْرِ

قرب الإسناد: امام صادق عليه السلام به فضیل فرمود: آیا با هم می نشینید و گفتگو می کنید؟ عرض کرد: آری، فدایت شوم.  
فرمود: من این مجالس را دوست دارم. ای فضیل! راه ما را زنده نگه دارید. رحمت خدا بر آن که امر ما را زنده بدارد. ای  
فضیل! هر کس ذکر ما بگوید یا در حضور او ذکر ما شود و از چشمش به اندازه پر مگسی اشک درآید خداوند گناهان او  
را می بخشد اگر چه فزونتر از کف دریا باشد.

مصدر: قرب الاسناد، ج ۱، ص ۳۶

منبع فرعی: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲

شغل زیرساخت هدایت است، چون نگاهمان به شغل این نیست که  
شغل ابزاری برای ایجاد ارزش افزوده است و از نظر نگاه اسلامی فرد  
شاغل برده نظام سرمایه داری نیست و حتی اجیر شدن کراهت دارد.  
اگر شما بخواهید شغل را در ذهن ها ارتقا دهید، حتماً باید تسعیر  
اختیاری را بپذیرید. تسعیر اختیاری است که زمینه عبادت را آماده  
می کند. شما دائماً به خود فرد می گوید صداقت را رعایت کن!  
غش در معامله نکن! کم فروشی نکن! با همین ابزارها انذار و تبشیر  
ایجاد می کنید و تربیت را پیش می برید. اگر تلقی کسی از شغل،  
ابزار ایجاد ارزش افزوده و نه زیرساخت هدایت است؛ در نتیجه تسعیر  
اختیاری برای او محور نیست.

\* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع رسانی نقشه راه [nro-di.blog.ir](http://nro-di.blog.ir) 

کانال "الگو ۴" در پیام رسان ای تا @olgou4 